

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاه ابزاری غرب به زن

نام استاد راهنما:

استاد شهین عطار زاده

نام نویسندگان

فاطمه سلیمانی

سمیه مرمزی

زهرا نیسی

اسما داوودی

حوزه علمیه فاطمه الزهرا علیها السلام - خوزستان - اهواز

چکیده

نگاه ابزاری به زن در غرب یکی از موضوعات مورد بحث و بررسی جامعه شناسان و منتقدان فرهنگی است. این دیدگاه بر این باور است که در جوامع غربی، زنان بیشتر بعنوان ابزارهای تبلیغاتی در نظر گرفته شده اند ب عبارت دیگر، ارزشهای انسانی و قابلیت‌های زنان اغلب نادیده گرفته شده و بجای آن، ظاهرو جذابیتهای جسمانی آنها مورد تاکید قرار گرفته. این نوع نگاه منجر به افزایش تبعیض جنسیتی، کاهش اعتماد به نفس زنان و افزایش فشارهای اجتماعی بر آنها شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی؛ و با مراجعه به منابع کتابخانه ای و باهدف تبیین نگاه ابزاری غرب به زن انجام گرفته است و در پایان به این موارد رسیده است: تعریف نگاه ابزاری غرب به زن، جایگاه زن در غرب، مبانی فکری غرب در نگرش به شخصیت زن، تاریخچه خشونت علیه زنان، چگونگی تاثیر رسانهها به نگاه ابزاری غرب به زن .

کلید واژه: زن، غرب، ابزار

مقدمه

در جهان معاصر، استفاده ابزاری از زنان به عنوان ابزارهای جذب و فروش محصولات در تبلیغات، فیلمها، موسیقی و سایر رسانهها به یک مسئله جدیو بحث انگیز تبدیل شده است. این نگاه ابزاری که زنان را به عنوان اشیا مصرفی و جنسی نمایش میدهد، نه تنها به تضعیف نقش وارزش واقعیزنان منجرشده، بلکه به ترویج کلیشه ای جنسیتی و نابرابریهای جنسیتی دامن زده است. در جوامع غربی، رسانه ها و تبلیغات تجاری نقش بسزایی در شکل دهی به این نگاه ابزاری دارند و با استفاده از تصاویر کلیشه ای و غیر واقعی از زنان، آنان را بعنوان ابزارهای جذابیت و فروش محصولات نمایش می دهند.

این تحقیق به بررسی نگاه ابزاری غرب به زن، جایگاه زن در غرب و همچنین به بررسی مبانی فکری غرب در نگرش به شخصیت زن، تاریخچه خشونت علیه زنان و چگونگی تاثیر رسانه ها به نگاه ابزاری غرب به زن پرداخته خواهدشد. هدف این تحقیق، افزایش آگاهی عمومی نسبت به پیامدهای منفی نگاه ابزاری به زنان است.

تعریف نگاه ابزاری به زن

نگاه ابزاری به زن به معنای نادیده گرفتن هویت و ارزش‌های انسانی زنان و کاهش آن‌ها به ابزاری برای دستیابی به اهداف و منافع دیگران است. این نگاه معمولاً در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، به ویژه در جوامع غربی، مشاهده می‌شود و می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند رسانه، تبلیغات، و روابط اجتماعی نمود پیدا کند.

جایگاه زن در غرب

جایگاه زنان در غرب به مرور زمان تغییرات زیادی را تجربه کرده است و تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. در ادامه به برخی از جنبه‌های مهم جایگاه زنان در غرب اشاره می‌کنم:

۱. تاریخچه و تحولات اجتماعی

- قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم: در این دوره، زنان به طور عمده در خانه‌ها و به عنوان همسر و مادر شناخته می‌شدند. حقوق سیاسی و اجتماعی آن‌ها محدود بود و به ندرت در عرصه‌های عمومی حضور داشتند.

- جنبش‌های فمینیستی: از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جنبش‌های فمینیستی به وجود آمدند که خواستار حقوق برابر برای زنان، حق رأی و دسترسی به آموزش و کار بودند. این جنبش‌ها تأثیر زیادی بر تغییر نگرش‌ها و قوانین داشتند.

۲. حقوق و فرصت‌ها

- حق رأی: زنان در بسیاری از کشورهای غربی در اوایل قرن بیستم به حق رأی دست یافتند. این امر به آن‌ها اجازه داد تا در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند.

- دسترسی به آموزش و کار: با گذشت زمان، زنان به تدریج به آموزش عالی و مشاغل مختلف دسترسی پیدا کردند. امروزه زنان در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله علوم، هنر، و سیاست، فعال هستند.

۳. چالش‌ها و نابرابری‌ها

- نابرابری‌های اقتصادی: با وجود پیشرفت‌ها، هنوز هم نابرابری‌های اقتصادی و دستمزد بین زنان و مردان وجود دارد. زنان معمولاً در مشاغل با دستمزد پایین‌تر و در موقعیت‌های مدیریتی کمتر نماینده هستند.

- نگاه ابزاری: در برخی از رسانه‌ها و تبلیغات، زنان هنوز هم به عنوان ابزاری برای جلب توجه یا فروش محصولات به تصویر کشیده می‌شوند. این موضوع می‌تواند تأثیرات منفی بر روی خودباوری و هویت زنان داشته باشد.

۴. نقش در جامعه

- نقش‌های چندگانه: امروزه زنان در نقش‌های مختلفی از جمله مادر، همسر، شاغل و فعال اجتماعی حضور دارند. این نقش‌ها به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در جامعه تأثیرگذار باشند و به تغییرات مثبت کمک کنند.

جایگاه زنان در غرب به طور قابل توجهی تغییر کرده است، اما هنوز هم چالش‌هایی وجود دارد که نیاز به توجه و تلاش بیشتر دارد. با ادامه‌ی مبارزات برای برابری جنسیتی و تغییر نگرش‌ها، می‌توان به بهبود وضعیت زنان در جامعه امیدوار بود.

مبانی فکری غرب در نگرش به شخصیت زن

چنان که میدانیم، تاریخ مغرب زمین را به سه دوره متوالی تقسیم می‌کنند: دوران باستان، قرون وسطی و دوران جدید. آنچه امروزه از آن با نام غرب و فرهنگ غربی یاد می‌کنیم، در واقع همان فرهنگ و فلسفه حاکم بر دوران جدید است. دوران جدید غرب با یک نهضت فرهنگی و اجتماعی به نام رنسانس (نوزایش) در قرن شانزدهم میلادی آغاز شد. نهضت رنسانس در واقع واکنش غرب در مقابل قرون وسطای مسیحی بود؛ قرن‌هایی که در آن بقایای امپراتوری مضمحل روم «و» مسیحیت تحریف شده دست به دست هم داده، ارزشهای منحنی جامعه فئودالی و اخلاق بربری را به نام دین و ایمان مسیحی بر جامعه اروپا تحمیل کردند و بعضاً حوادث زشت و نامیمونی را رقم زدند. (هنری لوکاس، ج ۱، ص ۳۶۹)

رنسانس که در آغاز بیشتر جنبه علمی هنری و ادبی داشت، به تدریج به‌عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشیده شد و احیای حقوق انسانی و آرمان‌هایی چون برابری، آزادی و رفاه در سرلوحه اصلاحات اجتماعی قرار گرفت. تحولات بعدی نشان داد که نهضت جدید در زیر لوای شعارهای انسانی در واقع فلسفه و جهان بینی خاصی را می‌پرورد و در پی ایجاد جامعه‌ای با بنیان‌های مادی و غیر دینی است.

تحقیقات غرب شناسی نشان می‌دهد که رنسانس اروپایی در واقع محصول قیام طبقه متوسط شهری علیه اقتصاد فئودالی است. در اروپای غربی از قرن پنجم میلادی با زوال امپراطوری بزرگ روم عملاً قدرت مرکزی از بین رفت و امور سیاسی و اقتصادی به دست زمین‌داران بزرگ (فئودالها) افتاد. نقش پادشاهان در این دوره

عوامل موثر بر خشونت

1. فرهنگی :باورها و نگرش‌های جامعه که نقش‌های سنتی جنسیتی را تقویت می‌کنند و زن را به عنوان تابع مرد می‌دانند.
2. اجتماعی :عوامل اجتماعی مانند پایین بودن سطح تحصیلات، بیکاری و فقر می‌توانند به افزایش خشونت خانگی منجر شوند.
3. روان‌شناختی :مشکلات روانی مانند اختلالات شخصیت، مصرف مواد مخدر و الکل نیز می‌توانند در بروز خشونت خانگی نقش داشته باشند..نیکخواه،سارا،حقوق زنان و خشونت جنسیتی،

تأثیرات خشونت خانگی بر زنان

1. تأثیرات جسمی :شامل آسیب‌های جسمی مانند شکستگی استخوان‌ها، کبودی‌ها، زخم‌ها و سایر مشکلات جسمی است.
2. تأثیرات روانی :شامل افسردگی، اضطراب، کاهش اعتماد به نفس، اختلالات خواب و حتی خودکشی است.
3. تأثیرات اجتماعی :شامل انزوا، کاهش مشارکت اجتماعی، کاهش فرصت‌های شغلی و تحصیلی و مشکلات خانوادگی است صفوی،تحلیل،خشونت خانگی علیه زنان

راهکارهای مقابله با خشونت خانگی

1. قوانین حمایتی :تصویب و اجرای قوانین حمایتی برای زنان قربانی خشونت و افزایش آگاهی عمومی درباره این قوانین.
2. آموزش و آگاهی‌بخشی :اجرای برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها برای افزایش آگاهی درباره حقوق زنان و پیامدهای خشونت خانگی.
3. حمایت‌های روان‌شناختی و اجتماعی :ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی به زنان قربانی خشونت و ایجاد پناهگاه‌ها و مراکز حمایتی.
4. تقویت نقش نهادهای اجتماعی :تقویت نقش نهادهای اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی در حمایت از زنان قربانی خشونت و افزایش همکاری‌های بین‌نهادی .محمدی،فرناز،زنان در مواجهه با خشونت:دیدگاه‌های روان‌شناختی

نتیجه گیری

در پایان، می‌توان گفت که نگاه ابزاری به زنان در رسانه‌های غربی تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه و فرهنگ دارد. این نگاه که زنان را به‌عنوان ابزارهایی برای رسیدن به اهداف خاص یا تبلیغات کالاها معرفی می‌کند، باعث تقویت کلیشه‌های جنسیتی، نقض حقوق زنان، و کاهش اعتماد به نفس در آنان می‌شود. همچنین، این نوع نگاه می‌تواند به تخریب ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جوامع منجر شود.

برای مقابله با این مشکل، نیاز است که رسانه‌ها به تغییر رویکرد خود پرداخته و تصویری واقعی‌تر و مثبت‌تر از زنان ارائه دهند تا بتوانند به ترویج عدالت و برابری جنسیتی کمک کنند. در نهایت، تغییرات فرهنگی و اجتماعی نیز نیازمند آگاهی‌بخشی و آموزش در سطح جامعه هستند تا نقش سازنده‌ای در اصلاح نگاه‌ها به زنان ایفا کنند.

1. دوبوار، سیمون The Second sex - ، سال نشر ۱۹۴۹، انتشارات Gallimar

2. میر حسینی، مریم، زن و رسانه، تهران، آدینه، سال نشر 1392

3. صفوی، نگار، تصویر زن در تبلیغات در رسانه های جمعی، سال نشر 1392،

4. محمدی، فرناز، نقد و تحلیل رسانه های جنسیت، تهران، نشر آگاه، سال انتشار 2023

5. نیکخواه، سارا، نقش رسانه را در ترویج شده ابزار به زنان

6. دهقان، تحلیل تبلیغات و تصویر زنان در رسانه

7. ولف، ناعومی، کتاب

"The Beauty Myth: How Images of Beauty Are Used Against Women"

مترجم محمد رضا میرزایی، سال نشر: ۱۹۹۰، انتشارات HarperCollins:

8. سوزان، فیشر، مقاله "Media Representations of Women": انتشارات Journal of Gender، سال نشر 2010

.Gendered Media. The Influence of Media on Views of Gender

سال نشر: ۱۹۹۰، انتشارات Sage Publications

10. آذر، محمد رضا، خشونت علیه زنان: نقدهای اجتماعی و اخلاقی

11. محمدی، فرناز، زنان در مواجهه با خشونت: دیدگاههای روان شناختی